

منظر گذرا در دوران جنگ بازنمایی بناهای یادمانی برای قرن بیست و یک

چکیده | مروری بر حضور گل در بزرگداشت جنگ و یادبود سربازان و کشته‌شدگان جنگ نشان می‌دهد که رابطه جنگ و گل رابطه‌ای گذرا و ناپایدار نیست، بلکه گل‌ها با وجوه مختلف سیاسی در دوره‌های مختلف در یادبود و بزرگداشت جنگ‌ها حضوری فعال دارند. این نوشتار با تمرکز بر انگیزه‌های اصلی ساخت بناهای یادبود، به صورت مشخص نقش گل در شکل‌گیری مقابر موقت خیابانی در جنگ جهانی اول در اروپا، جنبش «باغ جنگ» در طول جنگ جهانی دوم در آمریکا و جنبش «قدرت گل» در طول جنگ ویتنام را معرفی و تحلیل می‌کند. در نهایت با توجه به تغییر وجه جنگ در قرن بیست و یک و شکل‌گیری جبهه جهانی علیه تروریست، نویسنده بهره‌گیری از گل در شکل دادن به منظری گذرا برای یادبود فجایع را به عنوان رویکرد نوین در ساخت یادبود معرفی می‌کند و یادبودهای آینده را بیشتر باغ‌هایی از گل می‌داند که مردم خود شکل‌دهنده به آن هستند تا بناهای معمارانه با مقیاس‌های عظیم که با طرح‌های از پیش تعیین‌شده ساخته می‌شوند.

واژگان کلیدی | یادبود جنگ، منظر گذرا، مقابر موقت خیابانی، باغ‌سازی جنگ، قدرت گل.

لارا ملینگ

پژوهشگر دکتری معماری منظر،
دانشگاه ای، تی، اچ زوریخ، سوئیس.

mehling@arch.ethz.com

ترجمه از انگلیسی:

نفیسه سیده

کارشناس ارشد معماری منظر،

دانشگاه تهران.

nafise86@gmail.com

مقدمه |

یک شهروند عادی، معمولاً جنگ را به‌عنوان یک فقدان، حذف و یا از بین رفتن هستی، ساختارها، روابط و آسایش تجربه می‌کند. جنگ برای بسیاری از مردم به موضوعی تبدیل شده که از فاصله دور درک می‌کنند. با تغییر تکنولوژی، حتی ممکن است، سربازان هزاران متر دورتر از میدان جنگ باقی بمانند و یا تنها هواپیماهای بدون سرنشین را از راه دور کنترل کنند. در واقع، برای کسانی که در خانه مانده‌اند، میدان جنگ که در معنای سنتی زمینی است که جنگ در آن رخ می‌دهد، در حال تقلیل یافتن به پس‌زمینه صحنه‌های نمایش جنگ است. جنگ‌های جهانی در قرن بیستم تصور عمومی در مورد مفهوم خط مقدم جبهه را به چالش کشید: خط مقدم که تا آن زمان با یک خط بین مرزهای نظامی دو طرف جنگ مشخص می‌شد، به نوع جدیدی از «زمین صفر»^۱ تبدیل شد. در مواقع «جنگ تمام‌عیار»^۲، خط مقدم جبهه هم‌چندین برابر و هم‌ناپدید شد و در خانه تجربه غیرنظامیان از جنگ به مجاز نزدیک شد.

برای گرامیداشت جنگ بدون سایت در خانه و شمار روزافزون سربازانی که اجسادشان شناسایی نشده بود، ساخت بناهای یادبود و مجسمه‌های یادمانی در شهرها آغاز شد. با این حال، این اثبات شده است که اگرچه مجسمه‌های سنتی و بناهای یادبود معمارانه قرار گرفته در فضاهای عمومی، ممکن است برای مدتی طولانی به‌منظور بزرگداشت یا رژه روز آتش‌بس استفاده شوند، بدنه سنگی آن‌ها که برای دوام آوردن برای قرن‌ها ساخته شده است، در میان یادبودهای جنگی موفق قرار ندارند. موفقیت یک بنای یادبود به چیزی بیشتر از دوام و بقای فیزیکی آن وابسته است و ممکن است بیشتر به سایر ویژگی‌های آن مثل مردمی بودن، موقعیت مرکزی و فضایی که اشغال می‌کند بستگی داشته باشد. به‌واسطه سروکار داشتن با زمانی فراتر از زمان جنگ، منظر یادمانی فرصتی برای بروز رویکرد جایگزین عزاداری فراهم می‌کند که در نقطه مقابل رویکرد صلب پیشین قرار دارد: رویکردی گذرا^۳.

برخلاف مقیاس زمانی بناهای یادمانی معمارانه جنگ که ممکن است در آن‌ها کیفیات مقیاس انسانی قربانی شود، تجربه ما در مورد منظر گذرا مستقیم و شخصی است. به‌مانند موجودی گذرا با عمری کوتاه، گل‌ها که ممکن است در یک دسته یا یک باغ قرار گیرند، به‌اندازه یک شهروند عادی در میان یک جامعه یا یک سرباز در صحنه جنگ، شخصی هستند. اگرچه به کوتاهی عمر یک مرقد موقت، گل‌ها خواه کاشته شده،

توی گل‌دان و یا چیده شده به‌آرامی حسی از امید را در ما القا می‌کنند و در عزاداری از دست‌رفتنگانمان در زمان بزرگداشت حضور داشته‌اند. گل‌ها ممکن است زودگذر باشند، اما جاودان و ابدی‌اند، به خاطر اینکه این مناظر از بین نمی‌روند؛ آن‌ها می‌رویند و دائم جایگزین می‌شوند. در واقع، گل‌ها و جنگ چیزی بیشتر از یک ارتباط زودگذر با یکدیگر دارند. گل‌ها در دستان یک شهروند در جلوی خانه، چه یاد سربازی کشته‌شده را گرامی بدارند، چه پیروزی را جشن بگیرند و یا به تحركات جنگی یک ملت اعتراض کنند، به‌شدت سیاسی هستند. به‌منظور بازاندیشی معیار یادبودهای جنگ‌های قرن بیست‌ویک، این حضور گل‌ها در جنگ تجربیات بی‌واسطه عزاداری را به ذهن می‌آورد که اتفاقات کنونی را با قبول تغییرات بازتاب می‌کند.

بنابراین مناظر جنگ که در خانه تجربه می‌شوند، با یک فضای دوگانه، زمینی برای ایستادن و «جایی بدون سایت مشخص»، به همان اندازه زمان دوگانه منحصر به فرد که در آن اتفاقی از گذشته برای اتفاقات یادمانی آینده شاخص می‌شود، تعریف می‌شوند. اگر سایت‌های یادمانی خاطره را پرورش می‌دهند، پرسش بسیار مهم در اینجا این است که خاطره چه کسی را؟، فاعل و مفعول این خاطره و یادبودها چه کسانی هستند؟ برای مناظر یادمانی، معمار منظر نه‌تنها باید راه‌حلی برای یک مسئله فضایی و یا حتی موقتی بیابد، بلکه باید مسائل اجتماعی را نیز در نظر بگیرد. این مقاله با تمرکز بر انگیزه‌های اصلی ساخت بناهای یادبود، سه جنبش اجتماعی قرن بیست و یکم را به‌عنوان نمونه‌های موردی که به‌طور مستقیم شامل بستر عمومی و استفاده از منظر گذرا می‌شوند، بررسی می‌کند، به‌ویژه واکنش گل‌ها به جنگ: مرقد جنگ جهانی اول، «باغ سازی جنگ»^۴ در جنگ جهانی دوم و جنبش «قدرت گل»^۵ در جنگ ویتنام. اولی برای عزاداری کشته‌شدگان جنگ و دومی برای حمایت از جنگ و آخری برای اعتراض به جنگ.

مقابر موقت خیابانی: سوگواری برای جنگ بزرگ
گذاشتن گل بر سنگ مزار عزیزان آن‌چنان جهانی است که به‌سختی می‌توان منشأ آن را پیدا کرد. این عمل در واقع قدمتی به‌اندازه تاریخ یکجانشینی انسان دارد: از حدود ۱۴ هزار سال پیش آثاری از گل‌ها در گودال‌های باستانی تدفین کشف شده است (Nadel, 2013). از آن پس آیین گذاشتن گل به‌عنوان یک سنت در بسیاری از فرهنگ‌ها باقی ماند. یکی

جنگ.

در طول ساخت مرقد‌های جنگ، عزاداران به زائران شهری تبدیل شدند؛ این عزاداران در حین قرار دادن گل‌ها زمین مقدسی را برای هدایای مشترک شکل دادند. اصولاً به خاطر اینکه از این مقابر به خوبی مواظبت می‌شد - یا مورد اقبال بودند - هم آرامگاه‌های نمادین خالی و هم مقابر جنگجویان گمنام در طول دهه ۱۹۲۰ به‌عنوان مکان‌های مقدس باقی ماندند (Lloyd, 1918: 92). حتی در آرامگاه‌های بزرگ‌مقیاس و خودجوش اولیه، ادای احترام به مبارزان با حضور گسترده مردم برای قرار دادن گل بر آرامگاه‌ها نشان داده می‌شد (King, 1998: 60). در نهایت، ساخت مرقد‌های خالی و به‌خصوص آرامگاه‌های موقت اولیه به علت عدم حضور عزاداران ادامه پیدا نکرد. در واقع سوگواران از آرامگاه‌ها و قبرها با حضورشان نگهداری می‌کردند، حضوری که با سنت اهدای شاخه‌ای گل شاخص شد و تداوم یافت. در میان آداب تکریم تثبیت‌شده - پیش‌تر با یک صلیب چوبی و حالا با یک شاخه گل - مردم می‌توانستند در تحکیم تقدس یک یادبود یاری رسانند (Ibid: 231)؛ اما در این آرامگاه‌ها برخلاف نمونه‌های کاتولیک و آرامگاه‌های زیارتی که استقامت در ایمان را می‌آزمود؛ عزاداران بیشترین فضای عمومی را اشغال می‌کنند. به طوری که زیارت نه نوعی آئین دینی بلکه به‌نوعی فعالیت مدنی تبدیل شد. گل‌ها از طریق فعالیت مشترک افراد، هم خود سایت‌ها و هم تقدس آن‌ها را ایجاد می‌کرد. آئین قرار دادن گل در سال ۱۹۱۸ با یک آرامگاه بزرگ در هاید پارک به کمال رسید. محبوبیت این بنا ساخت یادبودی بادوام‌بیشتر، به نام «سنوتاف» را به دنبال داشت که توسط «دوین لوتینز»^۸ طراحی شد (تصویر ۱). «دیوید ویلیام لوید»^۹ نیز به این موضوع اشاره کرده است: «این آرامگاه ساخته شد تا هم‌مکانی برای مردم و قرار دادن گل‌های هدایی‌شان فراهم کند و هم نمادی بر ادای احترام حاکمان و دستگاه قدرت به مزار کشته‌شدگان باشد. در روز اول ... حداقل هفتاد هزار دسته گل در اینجا گذاشته شد» (Daily Express, 5Aug, 1918 in Lloyd, 1998: 61). در زمانی که هنوز بسیاری از مردم اعتقاد داشتند که روح کشته‌شدگان جنگ زنده است، چه در هنگام جنگ و چه آتش‌بس، «سنوتاف» به‌عنوان مکانی برای ادامه حضور کشته‌شدگان ایفای نقش می‌کرد (idem: 62). در روز آتش‌بس ۱۹۱۹ یک ستون‌نویس روزنامه مشاهداتش را از زیارت آرامگاه و در حین دو دقیقه سکوت چنین می‌نویسد: «می‌توانستی ببینی که گل‌های بسیاری شکل جسدی را که

از قوی‌ترین سنت‌ها از بریتانیا سرچشمه می‌گیرد، جایی که در دوره «ویکتوریا»^{۱۰} شهروندان آداب عزاداری را به‌خوبی آموخته بودند. دستورالعمل‌هایی به مردم آموزش داده بود که چگونه، چه موقع و کجا برای از دست‌رفته عزاداری کنند؛ اما هنگامی که جنگ جهانی اول هزاران سرباز کشته بر جای گذاشت که بسیاری از آن‌ها گمنام بودند، ناگهان مردم با کمبود مکانی برای سوگ و ماتم مواجه شدند، به خاطر اینکه سایت تراژدی (زمینی که جنگ و تراژدی در آن اتفاق افتاده است) چیزی جز یک زمین جنگ دور و غیرقابل دسترسی باقی نماند. حتی تابوت‌ها خالی رها شده بودند. پیش‌ازاین، قبرها اثر تسلی‌بخش خود را با در نظر گرفتن مکانی برای یادبود، مثل حیاط کلیسا، تضمین می‌کردند؛ اما مقیاس بزرگ این فقدان جایگزین انواع دیگر فرم‌های مرسوم عزاداری شد. با نبود زمین مقدس یا بنای یادبود که پس از جنگ در آن گلی قرار داده شود، نوع جدیدی از بزرگداشت ظهور کرد: آرامگاه‌های خیابانی موقت زمان جنگ به وجود آمدند تا هم زمین مقدس جدید و هم فرمی بدون واسطه و هماهنگی برای عزاداری عمومی ایجاد کنند. مقابر سربازان گمنام به‌عنوان بناهای یادبودی به پاس خدمات و جان‌فشانی‌های آنان ساخته شدند و به انگلستان این اجازه را دادند تا سربازان گمنام همه جنگ‌ها را به‌طور نمادین تدفین کند. آن‌چنان‌که «الکس کینگ»^{۱۱} در مورد یادبودهای جنگ کبیر در انگلستان بیان می‌کند، «این شیوه‌ای بود که به مجموعه‌ای از قهرمانان برگزیده اختصاص نداشت، بلکه به شهروند-سربازان داوطلب و معمولی توجه می‌کرد و آشنایی و دل‌بستگی شخصی در جریان این فعالیت‌های یادبود به جریان همگانی حمایت از کسانی که در جنگ شرکت داشتند، تبدیل شد» (King: 1998: 106). چنین یادبودهای همگانی و بناهایی بانام «سنوتاف»^{۱۲} (برای سربازانی که جایی دیگر دفن شده‌اند) نه‌تنها از برگزاری مراسم برای قهرمانان جنگی با درجه نظامی بالا به گرامیداشت سربازان معمولی تغییر صورت یافته، بلکه همچنین حالت موقت و اولیه آن‌ها فرم جدیدی از عزاداری عمومی که در زمان جنگ اتفاق می‌افتد تا یادبود بعد از جنگ را بازتاب می‌کند. آن‌چنان‌که کینگ در این رابطه می‌نویسد: «گرامیداشت کشته‌شدگان جنگ تنها فعالیتی برای گذشته نیست» (Ibid)، چراکه مردم خواهان فضاهایی هستند که در آن ماتم و اندوه خود را ابراز کنند (TWSM)، حتی در بحبوحه



تصویر ۱: آرامگاهی خالی در وایت‌هال، ۱۹۲۰، صحنه‌هایی از آرامگاه درست بعد از افتتاح مراسم توسط شاه جورج پنجم، یازدهم نوامبر ۱۹۲۰.
 مأخذ: Horace Nicholls (photographer), Imperial War Museum : Photograph Archive Collection, Q 31494

برای جنگ به شمار آمد. از آنجاکه کاشت غذا خیلی با کاشت گل قابل مقایسه نیست، تصور عمومی از باغ‌سازی به‌عنوان یک عمل متداوم که همیشه در حال نو کردن خودش در فرایندی زودگذر است، جایگزین تأکید مشابه بر فواید موقت تا دائمی محصولات شد. در این مسیر، تمایل به باغ‌جنگ‌ها مشارکت مدنی را به‌اندازه مشارکت در آرامگاه‌های موقتی جنگ، البته کمتر به‌صورت داوطلبانه، ترویج داد.

به‌منظور تشویق مردم آمریکا به افزایش ذخیره غذای ملی، پوسترها و بروشورهای تبلیغاتی زیادی منتشر شد تا روحیه را بالا برده و از جنگ‌های خارج از کشور حمایت کند. یکی از اولین پوسترها از استعاره بهره برده است: این پوستر، در زیر پرچمی با شعار «هر باغ یک کارخانه مهمات»^{۱۶} امضاشده توسط چارلز لترپ پک رئیس کمیسیون، شهروندان را فرامی‌خواند تا «بذرهای پیروزی را بیافشانند»^{۱۷} (U.S. Na-

پوشانده بودند به خود گرفته‌اند؛ و عطر سنگین و شیرینی از میدان جنگ گل‌آرایی شده به مشام می‌رسید» (MailDaily, 1919). به‌این ترتیب، بنای یادبود نه‌تنها یاد فرد کشته‌شده را گرامی می‌دارد بلکه تعداد زیاد گل، باغ یا دشتی را تداعی می‌کند که به روح از دست‌رفتگان شکلی ویژه داده و تصویری از آخرین دیدار با آن‌ها را می‌سازد.

باغ خودت را پرورش بده؛ باغ‌سازی جنگ در جبهه داخلی در همان سال که مقبره بزرگ در «هاید پارک» بالاخره پایین آمد و «سنوتاف» اولین روز آتش‌بس را جشن گرفت ایالات‌متحده آمریکا طی تلاشی تبلیغاتی اصطلاح «جبهه داخلی»^{۱۱} را باب کرد. زمانی که زائران «آرامگاه سنوتاف» گرامی‌داشت زمان جنگ را به دنیای پس از جنگ منتقل کردند، بنگاه‌های دولت آمریکا، جبهه نبرد را از اروپا به خاک آمریکا منتقل کردند (Daily Ex-press, 5 Aug, 1918 in Lloyd, 1998: 62). «خط مقدم جبهه در اروپا تنها جبهه‌های حضور فیزیکی سربازان آمریکایی نیست. یک جبهه داخلی هم وجود دارد و مردم ما در خانه باید به‌اندازه نظامیان در زمین‌های خارجی میهن‌پرست باشند» (Fourth Library Loan advertisement appearing متفاوت، جبهه داخلی به دو شکل آرامگاه‌های موقتی جنگ را تداعی می‌کردند: آن‌ها قطعه‌ای زمین عمومی به‌عنوان یک «بی‌مکان»^{۱۲} را تملک می‌کنند؛ جایگزینی برای ستایش و حمایت از یک سایت دور و غیرقابل دسترس، این سایت متکی به قراردادهای شهری است. با قرار دادن همه این جنبه‌ها کنار یکدیگر واضح است که این کار چیزی است که دو سایت را به هم متصل می‌کند؛ برای اینکه این کار جامعه عمل بی‌پوشد، یک تا چند زمین باید تملک شود برای اینکه در آن عملی برای عبادت، اعتراض، سوگواری بر فقدان ملی و یا پرورش دفاع ملی اتفاق بیافتد.

در میان سایر ملل، ایالات‌متحده آمریکا در طی جنگ‌های جهانی اول و دوم عمل باغبانی را به‌عنوان یک ابزار سیاسی برای مبارزه در جبهه داخلی نهادینه کرد. با پایه‌گذاری «کمیسیون ملی باغ جنگ»^{۱۳} در سال ۱۹۱۷ توسط سیاستمدار محافظه‌کار «چارلز لترپ پک»^{۱۴}، ایالات‌متحده با تعریف نقشی جدید برای حیاط جلوی خانه به‌عنوان جبهه داخلی، کمپینی تبلیغاتی برای ترویج تلاش‌ها و فعالیت‌های در ارتباط با جنگ در خانه به راه انداخت. ناگهان، پیوستن به «ارتش زمین»^{۱۵} یا «ارتش باغ»، به معنای کندن زمین برای باغ سبزیجات، معادل داوطلب شدن



تصویر ۲: پاشیدن بذر پیروزی، پوستر تبلیغاتی ایالات متحده آمریکا.

مأخذ: U.S. National Archives and Records Administration.

چه راهی بهتر از بسیج توده مردم؟ به این صورت، حیاط‌های جلوی خانه می‌تواند به سرعت به زمین‌هایی برای توسعه غرور مدنی و روحیه جامعه تبدیل شود (idem: 96).

پرچم‌های میهن پرستانه ملت، کل ایالات، خانه و باغ را در بر گرفت، هیچ زمینی دست‌نخورده باقی نماند. این همه‌گیر شدن، دقیقاً همان چیزی است که جبهه داخلی قصد داشت نشان دهد: یک پاسخ خصوصی به فراخوانی عمومی. با اینکه در اینجا، نزدیکی به این جبهه جدید مستقیماً به یک بیان عمومی از اضطراب منجر نمی‌شود- برعکس ارتقای روحیه و حمایت برای ادامه جنگ را به همراه دارد- همچنان به‌عنوان راهی مشترک برای مشارکت در جنگ در قلمروی محلی و در دو سطح محسوب می‌شود. در مقیاس ملی، اشخاصی که به‌منظور افزایش محصول، بر روی زمین‌های خصوصی‌شان کار می‌کردند، تلاش جنگی همگانی‌ای را به راه انداختند، در

ational Archives and Records Administration)؛ (تصویر ۲). در تبلیغ و اشاعه باغ جنگ‌ها که بعداً با عنوان «باغ‌های پیروزی»^{۱۸} شناخته شد، چارلز لترپ پک با به تصویر کشیدن فعالیتی موازی و دوش‌به‌دوش سربازان در جنگ بر جنبه جمعی باغبانی تأکید کرد. کتابچه او «پیروزی باغ جنگ»^{۱۹} چاپ سال ۱۹۱۹، هم‌زمان با ظهور اصطلاح «جبهه داخلی»، از مردم غیرنظامی می‌خواهد به اسم وظیفه، زیبایی، غرور ملی، وحدت و دموکراسی باغ بسازند. به‌صورت واضح بیان می‌کند: «وحدت اندیشه، عمل و ایده‌آل‌ها، نیاز کنونی آمریکاست...».

تقریباً هیچ اقدامی قدرتمندتر از باغبانی، به‌ویژه باغبانی جمعی، برای ساختن روحیه جامعه نبود (Pack, 1919: 96)؛ (تصویر ۳). لترپ پک این ایده را که باغبانی جمعی راهی برای برگرداندن «اراضی خشک» به چرخه فعالیت است را پیش برد (idem: 79)، می‌توان گفت باغبانی به‌عنوان وظیفه‌ای مدنی ستایش می‌شد.



Secretary Plowing Boston Common 4/11/44 - Victory Garden Program

تصویر ۳: وزیر کشور در حال شخم زدن، بوستون، برنامه باغ پیروزی، یازدهم آوریل ۱۹۴۴.

مأخذ: Franklin D. Roosevelt Library Public Domain Photographs, U.S. National Archives and Records Administration (NARA), NAI 195586

چرخه زندگی گیاهان آشنا کرد. باغبانی باعث می‌شود جامعه به‌سوی دموکراسی پیش رود و همچنین به‌عنوان یادآوری واقعی برای درک زندگی ارزشمند مردم عمل می‌کند.

گل‌ها و پرچم‌ها: اعتراض به جنگ ویتنام هر دو جنبش آرامگاه جنگ و باغ جنگ به‌عنوان جنبش‌هایی که با یک هدف مشترک و در یک‌زمان مشخص ظهور کرده بودند، فضایی غیر ایستا را اشغال می‌کنند. ناگهان روشن می‌شود که منظر زودگذر دو معنی می‌تواند داشته باشد: «گل‌های بهاری^{۲۱}»، به عنوان اجزایی از طبیعت که چیده یا خریداری می‌شوند و برای ادای احترام به کشته‌شدگان جنگ به کار می‌روند، به خاطر عمر کوتاه‌شان نشانی از زودگذری طبیعی هستند، اما مناظر زودگذر همچنین به خاطر حوادث موقتی یا وقایعی با عمر کوتاه که در آن‌ها رخ می‌دهد ویژگی زودگذری

سطح ارتباطات میان فردی نیز، طرح باغ‌های جمعی روحیه فردی و عملی جامعه را ترغیب می‌کرد. آن‌چنان که کتابچه چارلز لرتپ یک ادعا می‌کند:

«سربازان ما، شانه‌به‌شانه، یاد گرفتند که مقام و جایگاهشان در زندگی هرچه باشد، در سنگر باهم برادرنند. با شدتی کمتر، اما کافی، برای متحد کردن قوی‌ترین افراد، باغبان‌هایمان، به یک جسم واحد تبدیل می‌شده‌اند. حلقه به حلقه زنجیر دموکراسی‌مان مستحکم‌تر می‌شود.» (idem: 97).

با توسل به هم‌کالبد و هم‌استعاره باغ، جنبش باغ-جنگ نیروی کار غیرنظامی را در قالب یک ارتش میهن‌پرست به خدمت گرفت. پک دریافته بود که یک وظیفه مشترک و فیزیکی نه‌تنها اعتماد و دوستی را به همراه خواهد داشت. بلکه او همچنین با گردهم آوردن اشخاص در فضایی عمومی در باغ جنگ‌های جنگ جهانی اول و دوم، ساکنان شهرها را با

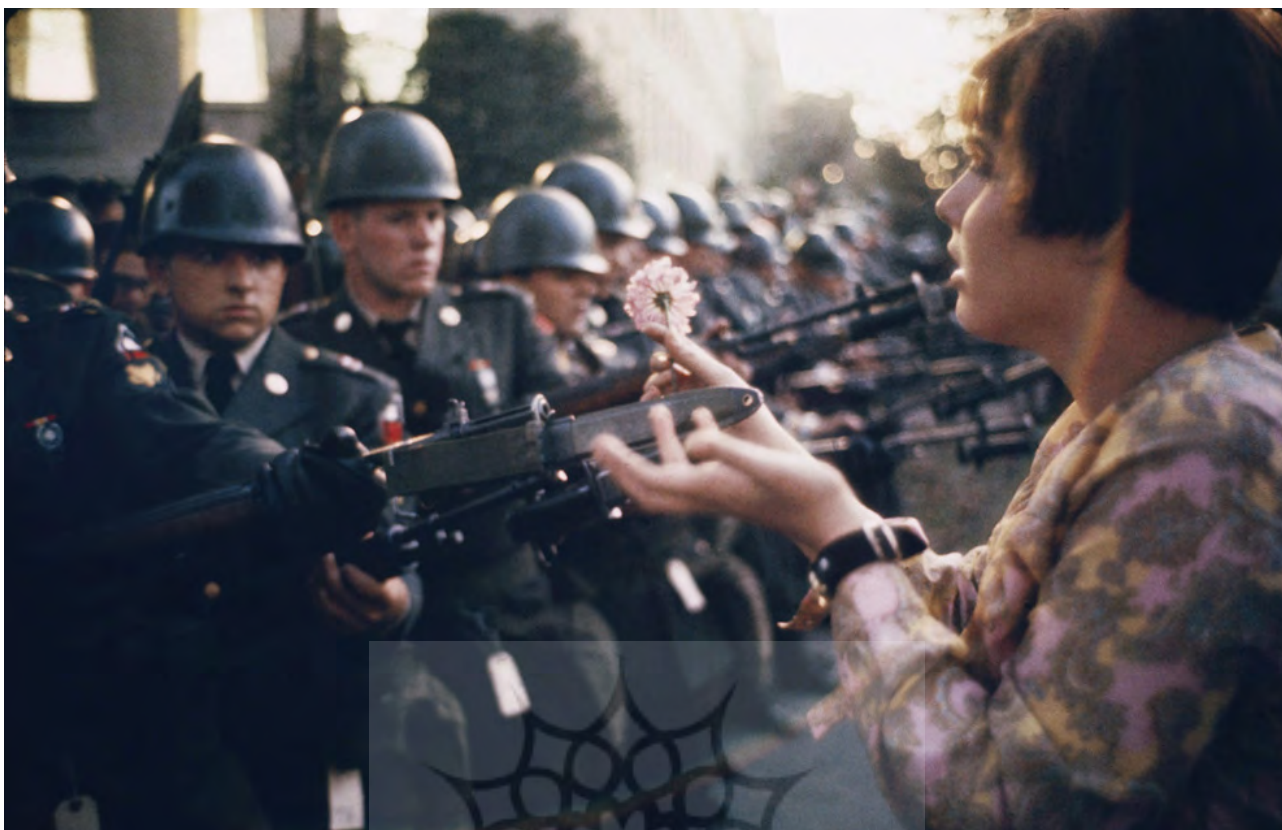


تصویر ۴: تصویر یکی از تظاهرات کنندگان زن که به یکی از افسران ارتش گل اهدا می‌کند. ۲۱ اکتبر ۱۹۶۷. مأخذ: Department of Defense [Public domain], via Wikimedia Commons. National Archives and Records Administration, NAI 594360

کند، هافمن به همراه «جیم فوارت»^{۲۴} اولین کسانی بودند که گل را به‌عنوان نماد جنبششان برگزیدند. در کتاب «ابی هافمن: شورش آمریکایی» «مارتی جزر»^{۲۵} توضیح می‌دهد که هافمن و فوارت چگونه تصمیم گرفتند که جنبش باید پیامی مثبت را منتقل کند و نباید در مقابل احساسات میهن‌پرستانه ظاهر شود. در جستجوی تصویری که چیزی مثبت را منتقل کند آن‌ها تصمیم گرفتند که یک ارتش گل را سازمان‌دهی کنند و در زیر پرچم حمایت از سربازان به رژه ملحق شوند (Jezer, 1992: 104). رژه‌ای که آن‌ها به آن پیوستند رژه‌ای با عنوان «حمایت از پسرانمان»^{۲۶} سازمان‌دهی شده توسط «کهنه سربازان جنگ‌های خارجی»^{۲۷} بود که در ادامه رژه وفاداری^{۲۸} آوریل ۱۹۶۷ در شهر نیویورک برگزار شد. معترضین درحالی‌که شاخه‌های گل را مثل پرچم تکان می‌دادند رژه رفتند که در مجموع با سنت‌های مراسم یادبود متفاوت نبود. غیرممکن به نظر می‌رسد که گل‌ها بتوانند به چنان ابزار قدرتمندی برای فعالیت سیاسی تبدیل شوند. در همان زمان، به نظر می‌رسد که همان ویژگی‌های گل مانند مقیاس صمیمی، گذرا و ناپایدار بودنش، فردیت و صداقت که آن را

را دارا هستند. هر دو جنبش در زمین‌های عمومی ظهور کردند، یکی برای سوگواری و دیگری برای حمایت از جنگ؛ اما مناظر گذرا نقش سومی را هم در مناظر جنگ ایفا می‌کند: گل‌ها در جنبش مخالف با جنگ ویتنام دوباره به صحنه بازگشتند و بعدها رابطه مستقیمشان با تجربیات غیرنظامیان از جنگ با مستحکم کردن جایگاهشان به‌عنوان نماد صلح و زندگی پس از مرگ تکامل یافت. با در نظر گرفتن رابطه با گل‌ها و باغ‌ها به‌تنهایی می‌توان گفت که در قرن بیستم تجربه غیرنظامیان از جنگ مسیری را از غیرفعال بودن (قرار دادن گل در سوگواری) به غرور (باغ جنگ با یکپارچگی) و به فعال بودن (قرار دادن گل در لوله تفنگ سرباز ارتش برای اعتراض) دنبال می‌کند (تصویر ۴).

شعار «قدرت گل»^{۲۱} بیشتر از جنبش‌های «آرامگاه جنگی» یا «باغ جنگ» بار سیاسی دارند. جنبش ضد جنگ، گل‌ها را برای نمایش ایدئولوژی‌ای مبتنی بر مقاومت غیرفعال و بدون خشونت به خدمت گرفت. فعال سیاسی و اجتماعی آمریکایی «ابی هافمن»^{۲۲} در این جنبش پیشگام شد. قبل از اینکه شاعر آمریکایی «الن گینسبرگ»^{۲۳} اصطلاح «قدرت گل» را ابداع



تصویر ۵: جن رز کسمیر هفده‌ساله یک گل داوودی را بالای لوله تفنگ یک سرباز در رژه پنتاگون نگه‌داشته است. ۲۱ اکتبر ۱۹۶۷. مأخذ: Image rights courtesy of the author. © Marc Riboud

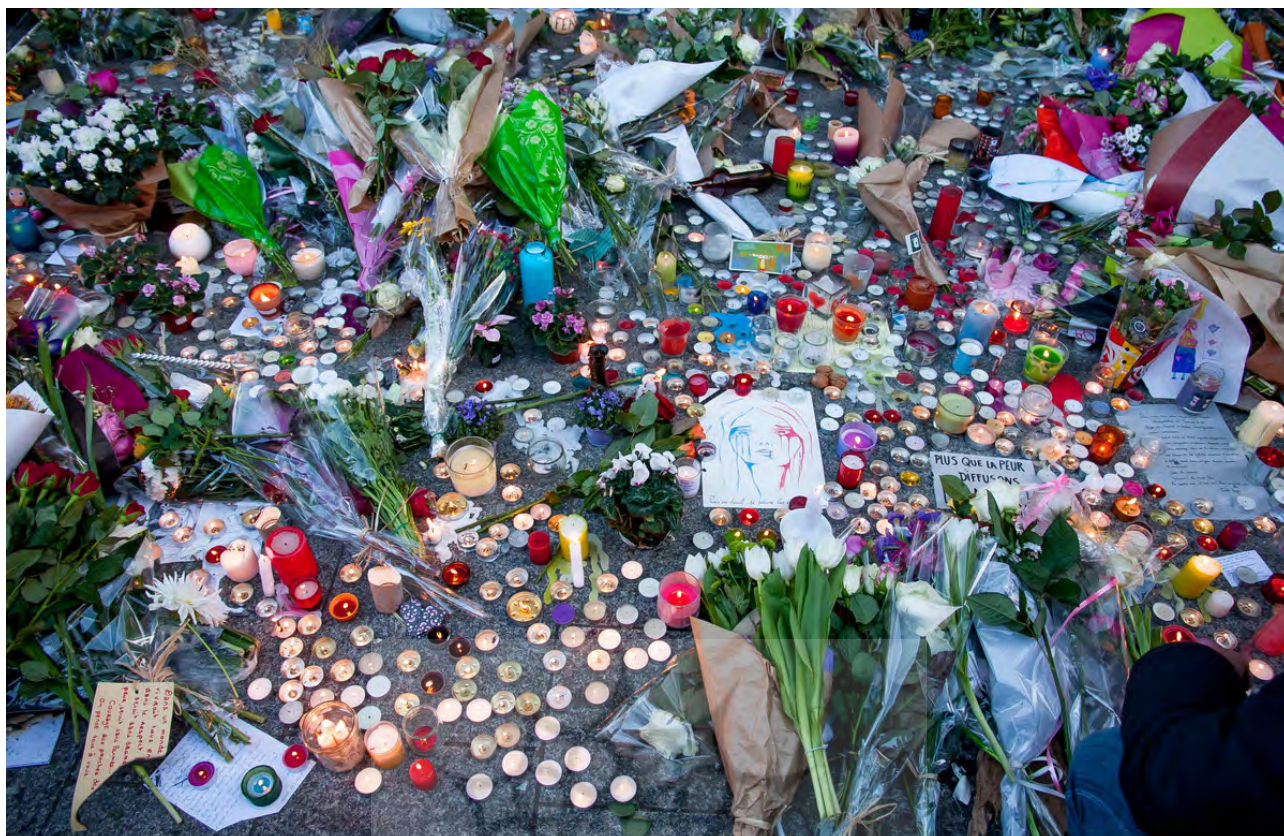
معترض و یک سرباز را در تماس میان گل و سرنیزه- دو سمبل قدرتمند- ثبت کرده است. به اعتقاد هافمن نیز نمادگرایی در این جریان بسیار قوی است. برخلاف گل‌هایی که بر روی یک بنای یادبود یا یک قبر قرار می‌گرفت، این گل‌ها هرگز پژمرده نخواهند شد. چیزی که پیام هافمن آن را جاودانه می‌کند، توانایی بشر در به دست آوردن دوباره استقامتش برای رویش است. این گل‌ها با آنکه عمرشان کوتاه است اما نمی‌میرند بلکه به خواب می‌روند. هافمن و فورات نمادی را انتخاب کردند که به مردم هویت می‌بخشید. هرچند مخالفان جنگ ویتنام به دلایل اخلاقی اعتراض کردند (تعداد بیشمار تلفات غیرنظامی در ویتنام) جنبش قدرت گل رشد کرد تا معنایی فراتر از عدم خشونت داشته باشد: این نکته مهم دیگری را نشان داد که در آن شهروندان غیرنظامی قدرت شخصی، اخلاقی و احساسی‌شان را بیان کردند. شکوفایی مداوم، روح پرتلاقت یک جامعه قدرتمند و سیاسی را نشان می‌دهد.

جبهه جهانی: مواجهه با خشونت سیاسی و ناآرامی جهانی قرار دادن گل در ابتدا یک حرکت شخصی و سپس مدنی و نهایتاً سیاسی است؛ در مقابل خانه، بزرگداشت با گل ممکن

به‌عنوان گزینه‌ای مناسب در دوران جنگ بریتانیا و سایر جاها مطرح کرد، بتواند به خلع سلاح ارتش آمریکا بیانجامد. در سال ۱۹۶۷ هنگامی که سازمان‌های اطلاعاتی نقشه معترضان رأی پرتاب ده هزار گل از بالگرد بر روی پنتاگون را متوجه شدند، هافمن بیانیه‌ای در مجله «وین (کارگاه عدم خشونت)»^{۳۰} تقریباً با همان اثر پرتاب گل منتشر کرد:

«ارتش گل در اولین نبردش شکست خورد، اما آمریکا نگاه کن... ما به‌ندرت به گل‌فروشی‌های بالای شهر مجهز بوده‌ایم. اکنون صحبت از تولید گل‌های خودمان است. برنامه‌ریزی شده تا ساحل شرقی رودخانه را نرگس بکاریم. زنجیری از قاصدک دورتادور مراکز فراخوانی به جنگ بسته می‌شود. گودال‌هایی در پیاده‌روها ایجاد، بذرها در آن‌ها پاشیده و سپس پوشیده می‌شوند. فریاد «قدرت گل» در سرتاسر زمین طنین‌انداز می‌شود. ما پژمرده نخواهیم شد. بگذارید هزاران هزار گل جوانه زنند.» (WIN,104).

عکسی که توسط عکاسی فرانسوی «مارک ریبود»^{۳۱} در محل سازمان پنتاگون در واشنگتن در طول رژه «صلح در ویتنام» در ۲۱ اکتبر گرفته‌شده بود، پیغام «قدرت گل» را بیش‌از‌پیش اشاعه داد (تصویر ۵). این عکس به‌یادماندنی مواجهه یک



تصویر ۶: یادبود خیابانی در لو کاربون و خیابان بیشات و آلبرت. شانزده نوامبر ۲۰۱۵. عکس: Jean François Gornet.

به صورت هم‌زمان هیچ جا و همه جا آشکار می‌شود. این گرایش دور از عقل و حتی متظاهر به جنگ که قصد دارد هم حضور جنگ را پر رنگ تر کرده و هم آن را غیر ملموس کند، به خودی خود به نوعی ابراز اندوه و سوگواری در سطح ملی منجر شده است.

همانند خاطره سنت‌های قدیمی، یادبودهای موقت متأخرتر موارد مشابهی را نمایش می‌دهند: فهرست غیررسمی افتخارات، یادداشت‌ها، شمع‌ها، پرچم‌ها و گل‌ها. آنچه سایت‌های معاصر سوگواری، مانند یادبودهای خیابانی جلوی «پتیت کامبوج»^{۳۱}، «لاکاربون»^{۳۲} و «باتاکلان»^{۳۳} در پاریس در پی حملات ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ (تصویر ۶) را از اسلاف خود متمایز می‌کند، چندگانگی آن‌هاست: سایت‌های خشونت، سایت‌های سوگواری و سایت‌های خطر و ترس مداوم. در نوامبر سال ۲۰۱۵ م. خبرگزاری سی‌ان‌ان، ویدئویی منتشر کرد از سوگواران در حال فرار از صحنه‌ای (منطقه جنگی قدیمی) که صدای آتش‌بازی در مجاورت‌اش به‌طور اشتباه به‌عنوان تیراندازی تصور شده بود. در واقع در ارزیابی موقعیت‌هایی که پتانسیل خطر دارند، امروزه فضاهای عمومی شهرها از خطرناک‌ترین نقاط جهان به‌شمار می‌روند. به تبع این مسئله

است خانواده عزادار را تسلی دهد، یک باغ می‌تواند تلاش‌های جنگ را تقویت کند و یک گل نرگس به‌عنوان سمبل صلح عمل کند. گل سلاخی‌اشناست که بانگیزه‌های مختلف و قدرتمند در دوران جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد، هنگامی که ما به‌صورت ناراحت‌کننده فناپذیری خودمان را در عمر گذرای گل احساس می‌کنیم. در مجموع، جنبش‌های آرامگاه جنگی، باغ جنگ و قدرت گل نشان می‌دهند که چگونه منظر گذرا به‌عنوان یک ابزار برای بیان احساسات عمومی و مشارکت در جبهه‌های چندگانه به خدمت گرفته می‌شود. اگر قرن بیستم با یک جبهه نظامی در حال افول و ظهور یک جبهه داخلی همیشه حاضر شناخته می‌شد، قرن بیست‌ویک - حداقل در دنیای غرب - که با حمله یازده سپتامبر به مرکز تجارت جهانی آغاز شد، با آنچه ممکن است ظهور جبهه جهانی نامیده شود، شناخته می‌شود. جنگ جهانی اول در ابتدا مرز بین مبارزان و غیرمبارزان را محو کرد، جنگ جهانی دوم آگاهی همگانی در مورد تهدید هسته‌ای را معرفی کرد و یک قرن بعد، خشونت سیاسی جاری و میزان بی‌سابقه حملات سهمگین به مناطق شهری امروز، خط مقدم جبهه‌ای را تولید می‌کند که

هم تأثیرگذار است. تا هنگامی که آینده جبهه جهانی نامشخص باقی بماند، به‌سختی می‌توان مسئله‌ای مهم‌تر از حفاظت از فضای عمومی برای معماران منظر در قرن بیست‌ویک متصور شد. (60). تصویر عذارن در حال نگهداری از یک حرم به‌عنوان باغبان نشان می‌دهد که باغ می‌تواند گزینه مفیدی برای بازاندیشی طراحی یادمان باشد. به این ترتیب، یک بنای یادبود معاصر ممکن است بیشتر به یک باغ گل شهری شبیه باشد تا یک یادمان مجسمه وار: فضای عمومی مرکزی باید برای عذارن فعال مشترک اختصاص یابد، فضایی که بتواند به ساختمان-اجتماع خدمات دهد و قدرت مردم را به تصویر بکشد. همانند یک باغ مثمر سنتی، کرت های گلکاری در فضای شهری می‌تواند سوگواران محلی را دعوت کند تا با کار بر روی یک باغ در مقیاس کوچک بر اندوه خود غلبه کنند. عناصر گیاهی، شکوفا شونده و در عین حال زودگذر، می‌تواند جایگزینی باشد برای این فضاها؛ و یادآور فریاد «قدرت گل» که به دنبال یک رویش ابدی بود: «ما پژمرده نخواهیم شد بگذارید هزاران گل برویند.»

در جایی که مردم خواستار سوگواری عمومی هستند، بر مراسم سوگواری، جابجایی مردم و حقوقشان نسبت به فضای عمومی جمع‌بندی | با توجه به آنچه در مورد جریان‌های مختلف مناظر یادمانی و تناسب آن‌ها با اهداف جنگ‌ها در دوره‌های مختلف و نقش گل در شکل‌گیری این یادمان‌ها ذکر شد، ما به دنبال معرفی جنبش دیگری هستیم: ساختارهای جنبش یادبود دائمی نمی‌توانند به سرعت اتفاقات تروریستی اخیر ساخته شوند. تمایل روزافزون جوامع محلی به گرامیداشت کشته‌شدگان جنگ و قربانیان حملات (تروریستی) امروز، نیاز به منظر زودگذر در زمان جنگ را بیش‌ازپیش مشخص می‌کند. یک چیز مشخص است: اینکه یک بنای یادبود نباید فقط برای مردم بلکه باید توسط مردم ساخته شود. همان‌طور که در جنگ جهانی اول مشهود بود، هدایا نه‌تنها برای احترام به سربازان بود بلکه به کار متولیان حرم هم می‌آمد: این حرم‌ها تا حدی می‌توانست توسط عذارن طی بازدیدهای مکررشان برای تازه کردن گل‌های تقدیمی‌شان، نگهداری شود (King, 1998).

پی‌نوشت

- | | | | |
|--|-------------------------------|----------------------------------|------------------------------------|
| Support Our Boys -۲۶ | Every Garden a Munition -۱۶ | ۱۹۰۱ م. در انگلستان گفته می‌شود. | ۱- Ground Zero: نقطه‌ای از |
| Veterans of Foreign Wars -۲۷ | Plant | Alex King -۷ | سطح زمین که مستقیماً بر روی آن |
| Loyalty Parade -۲۸ | Sow the Seeds of Victory -۱۷ | Cenotaphs (قبر خالی) -۸ | انفجاری عظیم (به‌ویژه انفجار اتمی) |
| WIN (Workshop in Nonviolence) magazine -۲۹ | victory gardens -۱۸ | Sir Edwin Lutyens -۹ | رخ داده است. |
| Marc Riboud -۳۰ | The War Garden Victorious -۱۹ | David William Lloyd -۱۰ | Total war -۲ |
| Petit Cambodge -۳۱ | Spring ephemerals -۲۰ | home front, Etymonline.com -۱۱ | Ephemera -۳ |
| Le Carillon -۳۲ | flower power -۲۱ | Non-site -۱۲ | war-gardening -۴ |
| Bataclan -۳۳ | Abbie Hoffman -۲۲ | National War Garden -۱۳ | flower power -۵ |
| | Allen Ginsberg -۲۳ | Commission | ۶- Victorian era: دوره ویکتوریا یا |
| | Jim Fouratt -۲۴ | Charles Lathrop Pack -۱۴ | دوره ویکتوریایی به دوران ۶۴ ساله |
| | Marty Jezer -۲۵ | Land Army -۱۵ | سلطنت ملکه ویکتوریا (۱۸۳۷-) |

فهرست منابع

- Connelly, M. (2001). *The Great War, Memory and Ritual: Commemoration in the City and East London 1916-1939*. London: Royal Historical Society/Boydell Press.
- Jezer, M. (1992). *Abbie Hoffman: American Rebel*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- King, A. (1998). *Memorials of the Great War in Britain*. Oxford: Berg Publishers.
- Lloyd, D. W. (1998). *Battlefield Tourism: Pilgrimage and the Commemoration of the Great War in Britain, Australia and Canada, 1919-1939 (Legacy of the Great War)*. London: Bloomsbury Academic.
- Nadel, D., et al. (2013). Earliest floral grave lining from 13,700-11,700-y-old Natufian burials at Raqefet Cave, Mt. Carmel, Israel. *Proceedings of the National Academy of Sciences, USA (PNAS)*, 110(29):11774-11778.
- Pack, C. L. (1919). *The War Garden Victorious*. Philadelphia: J.P. Lippincott Company.
- Smithson, R. (1996). *A Provisional Theory of Non-Sites*. Unpublished Writings. In *The Collected Writings*. Edited by Flam, J. & Smithson, R. Berkeley, California: University of California Press: 2nd Edition.
- TWSM. The War Shrine Movement, Trustees of the Willis Fleming Historical Trust, Project Steering Group (North Stoneham, England, 2008-2011), url: <http://www.northstoneham.org.uk/warshrine/history/movement.html> (Accessed 27 March, 2016).
- U.S. National Archives and Records Administration (NARA), U.S. Food Administration, Educational Division, Advertising Section; Department of Defence; Franklin D. Roosevelt Library, url: www.Archives.gov.
- www.Etymonline.com (Accessed 23 March, 2016).